



### بحار الانوار بخوانید

آیت‌الله‌العظمی جعفر سبحانی خطاب به وعاظ گفته بود: گاهی برخی از گویندگان به نام مبلغ اسلام از لول تا آخر سخنرانی آیه یا حدیثی را نقل نمی‌کنند؛ بلکه همه صحبت‌خود را به کلماتی از این دکتر، آن پرفسور و... اختصاص می‌دهند. چنین کسانی مبلغ اسلام نیستند. کسی که می‌خواهد خیلی منبری قادر و قهار باشد، بهتر است که همه بحار الانوار را بخواند.

در انقلاب مشروطه و حوادث قبل و وقایع بعد از آن، نقش خطابه و منبر چشمگیر بود. در آن زمان که اغلب مردم سواد خواندن و نوشتن نداشتند، مهم‌ترین وسیله‌های مردم به واسطه آن می‌توانست معلومات آنان را افزایش دهد، سخنرانی و وعظ روحانیون بود. در آن دوران، همانطور که انقلاب مشروطه بر محتوا و شیوه خطابه‌ها تاثیر گذاشت، خطابه‌ها نیز بر حوادث و شکل‌گیری وقایع آن زمان اثربخش بودند. در واقع باید یکی از علل مهم انقلاب مشروطه را سخنرانی خطیبان طرفدار مشروطه و تاثیر گذاری آن بر توده مردم دانست.

یکی از وعاظ مشهور دوران انقلاب مشروطه، «سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی» بود.وی در منبرهایش تلاش می‌کرد با توضیح فلسفه قیام امام حسین(ع) مردم را با شرایط زمان از دیدگاه خودش آشنا کند و «اگر در می‌یافت که مستمعان به جای اینکه از فداکاری‌های راستین ائمه اطهار(ع) سرمشق بگیرند، پیوده می‌گردند و بر سر و سینه می‌زنند از خشمم بر می‌افروخت و به ایشان سرزنش می‌کرد.»<sup>(۱)</sup> ملکزاده مولف کتاب تاریخ مشروطیت ایران در مورد سید جمال و خطابه‌هایش می‌نویسد: «فصاحت بیسان و افکار بلندش تهران را تکان داد و هزارها نفر مردان روشنفکر در پای منبرش اجتماع می‌نمودند و صیت شهرتش در تمام ایران بلند شد و گفته‌هایش نقل مجالس و محافل گردید و خطابه‌هایش صدای زنگ حاضر باشش آزادی را به ملت ایران رسانید.»<sup>(۲)</sup> از وقایع دیگری که تاثیر منبر و سخنرانی در زمان مشروطه را به خوبی نشان می‌دهد، ویران کردن ساختمان محل بانک استرقاضی روس است که بدون اجازه علما در قبرستان کهنه‌ای نزدیک مدرسه خازن‌الملک بنا شده بود.

پس از انقلاب مشروطه، در دوران رضاخان هم منبری‌ها در فراز و فرود بودند. با توجه به عقاید خاص رضاخان که دین را بازدارنده تمدن می‌دانست و به تقابل با آن می‌پرداخت، این دوره، بیشترین سختی‌ها بر وعاظ و روحانیون وارد شد. او ظاهرا به علت اینکه وعاظ از او با خبر بود، به تهران تبعید در این است که بعضی از مردم به مقدمات زمانی بعضی چیزهای خود را با زنان خود می‌انداخت. در عوض زلفی کیسوی خود را می‌بردند و خود را مانند مردها درست می‌کنند.»<sup>(۳)</sup> او نگاهی سنتی و به نقش زنان در جامعه داشت و به حضور آنان در ادارات واکتس نشان می‌داد. او در ۲۹ ر دیپهشت ۲۷ در منبر خود در شاهین‌شهر گفته بود: «نو که می‌گوی زن و مرد مساوی هستند، غلط کردی» او که در منبری در مسجد حاج اسماعیل هوری در تهران دوم شهریور ۴۶ سخن می‌گفت، از تعدد زوجات دفاع کرد، و دلیل افزایش فحشا را منع تعدد زوجات دانست. از سویی، این منبری مشهور در برابر واگذاری طلاق برعهده زنان اعتراضی کرده و گفته بود: «هر روزنامه خواندم که می‌خواهند طلاق را به عهده زن‌ها بگذارند، آخر این‌ها چه می‌نویسند؟ این مجله زن روز چه می‌نویسد؟ مگر شما نمی‌گویید ما قرآن را قبول داریم. مگر شما مسلمان نیستید؟ اگر قرآن را قبول دارید، قرآن که با این چیزها مخالف است. قرآن ننگفته این کارها را دست زن بسپارید.» او همواره از مسائل فرهنگی ناهماهنگ با شرع رژیم سابق نازحت بود و حتی با تلاش او راهاندازی سینما در قم شکست خورد. او در مسجد جامع تهران در ۳۱ شهریور ۴۷ گفته بود: «یا در مقابل این سینماها و تئاترها و مینی‌زیوها، جوانی پاک می‌ماند. واقعا خوشا به حال شخصی که در پشت کوه زندگی می‌کنند زیرا دچار گناهی نشده‌اند. هیچ چیز را نمی‌بینند و مانند جوان تهرانی نمی‌شوند.» اگرچه اکثر منبر کفایی به مسائل اجتماعی آن روز و انتقادات او به موسولان رژیم پهلوی در این چارچوب تمرکز یافته بود، اما به دلیل نزدیکی او از دوران جوانی به دو عالم ارشد مشهد «آیت‌الله میلانی» و «آیت‌الله سیدحسین قمی» و سخنرانی در بیوت این دو، حال و هوای سیاسی به منبرش داد. به گونه‌ای که حتی اولین گزارش سلواک درباره او به سخنرانی در منزل سیدحسین قمی اختصاص دارد. او زمانی که منبرها از تبعید آیت‌الله خمینی نازرسند بودند، به همراه شیخ جعفر سبحانی و شیخ محمد مقدسیان، «نامه‌ای به آیت‌الله میلانی می‌نویسد و از او استفسار می‌کند که «یا در منبر از دولت و برنامه آن تنقید نموده‌اند استفاده تبلیغاتی به نفع روحانیون طرفدار آیت‌الله خمینی بنمایند.» میلانی در پاسخ به این سوال مریدان خود گفته بود: «فلا به مملحت نیست... فقط درباره دین و ارشاد مردم صحبت شود، بهتر است.» البته کافی در برهه‌های مختلف از رهبر فقید انقلاب نام می‌آورد و او را رهبر شیعیان جهان می‌نامد و برای سلامتی و خالصی او از تبعید دعا می‌کند. این اقدام کفایی به همراه انتقاداتش از وضعیت اجتماعی آن دوران باعث شد که چند بار توسط سلواک و شهرپلانی رژیم پهلوی احضار و با نوشتن تهدید آژاد شود. البته مدت کوتاهی هم در زندان قصر در بند بود که با وساطت آیت‌الله حکیم به همراه چندی از منبری‌های دیگر آزاد شد. از سوی دیگر کافی در آن دوره که منبری‌های منتقد رژیم پهلوی به تبعید محکوم می‌شدند، به سه سال تبعید در ایلام محکوم شد و پس از گذراندن دو سال، با تلاش آیت‌الله سیاحمد خوانساری بار دیگر به تهران آمد و منابر خود را پی گرفت. او همچنین از منتقدان دو سخنران مشهور انقلابی دهه ۵۰ به حساب می‌آمد؛ دکتر علی شریعتی و فخرالدین حجازی- به گونه‌ای که از محل سخنرانی این دو که «حسینییه ارشاد» تهران نام داشت؛ به عنوان «زبنده اصلاحیه» تعبیر می‌کرد. اگرچه او اینچنان سیاسی نبود، اما قوتش در فضای انقلابی سال ۵۷ بوی سیاسی گرفت و تصادف در مسیر تهران - مشهد او اقدام سلواک تعبیر شد. کافی در ۲۰ تیر ۵۷ مصادف در گذشت.

### یاد

### موسس مهدیه

به مناسبت سالگرد درگذشت شیخ احمد کافی



«شیخ احمد کافی» از منبری‌های معروف تهران

بود که روزانه کفایی ۱۰ منبر داشت. او اگرچه از سن ۱۲ سالگی به تحصیل علوم حوزوی هرچند کوتاهمدت در مشهد، نجف و سپس قم روی آورد اما شهرتش در تهران رقم خورد. او از سال ۴۳ به تهران آمد و منبرهایش در تهران رخنمایی کرد. کافی در نهایت پس از چهار سال حضور در تهران، در سال ۴۷ مکن مذهبی «مهدیه تهران» را تاسیس کرد. همچنین موسس ۲۰ مهدیه در شهرستان‌های دیگر شد که برخی او را بنیانگذار مهدیه در ایران نامیدند. از سوی دیگر مروج «مسجد جمکران» بود. کافی در میان منبرهای خود روی اعمال خلاف احکام اسلامی و فقهی بسیار حساس بود و به همین دلیل منتقد رژیم پهلوی بود. او درباره ریش‌تراشی مردان می‌گفت: «قاپان در اسلام ریش‌تراشی حرام است، تعجب در این است که بعضی از مردم به مقدمات زمانی بعضی چیزهای خود را با زنان خود می‌انداخت. در عوض زلفی کیسوی خود را می‌بردند و خود را مانند مردها درست می‌کنند.»<sup>(۴)</sup> او نگاهی سنتی و به نقش زنان در جامعه داشت و به حضور آنان در ادارات واکتس نشان می‌داد. او در ۲۹ ر دیپهشت ۲۷ در منبر خود در شاهین‌شهر گفته بود: «نو که می‌گوی زن و مرد مساوی هستند، غلط کردی» او که در منبری در مسجد حاج اسماعیل هوری در تهران دوم شهریور ۴۶ سخن می‌گفت، از تعدد زوجات دفاع کرد، و دلیل افزایش فحشا را منع تعدد زوجات دانست. از سویی، این منبری مشهور در برابر واگذاری طلاق برعهده زنان اعتراضی کرده و گفته بود: «هر روزنامه خواندم که می‌خواهند طلاق را به عهده زن‌ها بگذارند، آخر این‌ها چه می‌نویسند؟ این مجله زن روز چه می‌نویسد؟ مگر شما نمی‌گویید ما قرآن را قبول داریم. مگر شما مسلمان نیستید؟ اگر قرآن را قبول دارید، قرآن که با این چیزها مخالف است. قرآن ننگفته این کارها را دست زن بسپارید.» او همواره از مسائل فرهنگی ناهماهنگ با شرع رژیم سابق نازحت بود و حتی با تلاش او راهاندازی سینما در قم شکست خورد. او در مسجد جامع تهران در ۳۱ شهریور ۴۷ گفته بود: «یا در مقابل این سینماها و تئاترها و مینی‌زیوها، جوانی پاک می‌ماند. واقعا خوشا به حال شخصی که در پشت کوه زندگی می‌کنند زیرا دچار گناهی نشده‌اند. هیچ چیز را نمی‌بینند و مانند جوان تهرانی نمی‌شوند.»

اگرچه اکثر منبر کفایی به مسائل اجتماعی آن روز و انتقادات او به موسولان رژیم پهلوی در این چارچوب تمرکز یافته بود، اما به دلیل نزدیکی او از دوران جوانی به دو عالم ارشد مشهد «آیت‌الله میلانی» و «آیت‌الله سیدحسین قمی» و سخنرانی در بیوت این دو، حال و هوای سیاسی به منبرش داد. به گونه‌ای که حتی اولین گزارش سلواک درباره او به سخنرانی در منزل سیدحسین قمی اختصاص دارد. او زمانی که منبرها از تبعید آیت‌الله خمینی نازرسند بودند، به همراه شیخ جعفر سبحانی و شیخ محمد مقدسیان، «نامه‌ای به آیت‌الله میلانی می‌نویسد و از او استفسار می‌کند که «یا در منبر از دولت و برنامه آن تنقید نموده‌اند استفاده تبلیغاتی به نفع روحانیون طرفدار آیت‌الله خمینی بنمایند.» میلانی در پاسخ به این سوال مریدان خود گفته بود: «فلا به مملحت نیست... فقط درباره دین و ارشاد مردم صحبت شود، بهتر است.» البته کافی در برهه‌های مختلف از رهبر فقید انقلاب نام می‌آورد و او را رهبر شیعیان جهان می‌نامد و برای سلامتی و خالصی او از تبعید دعا می‌کند. این اقدام کفایی به همراه انتقاداتش از وضعیت اجتماعی آن دوران باعث شد که چند بار توسط سلواک و شهرپلانی رژیم پهلوی احضار و با نوشتن تهدید آژاد شود. البته مدت کوتاهی هم در زندان قصر در بند بود که با وساطت آیت‌الله حکیم به همراه چندی از منبری‌های دیگر آزاد شد. از سوی دیگر کافی در آن دوره که منبری‌های منتقد رژیم پهلوی به تبعید محکوم می‌شدند، به سه سال تبعید در ایلام محکوم شد و پس از گذراندن دو سال، با تلاش آیت‌الله سیاحمد خوانساری بار دیگر به تهران آمد و منابر خود را پی گرفت. او همچنین از منتقدان دو سخنران مشهور انقلابی دهه ۵۰ به حساب می‌آمد؛ دکتر علی شریعتی و فخرالدین حجازی- به گونه‌ای که از محل سخنرانی این دو که «حسینییه ارشاد» تهران نام داشت؛ به عنوان «زبنده اصلاحیه» تعبیر می‌کرد. اگرچه او اینچنان سیاسی نبود، اما قوتش در فضای انقلابی سال ۵۷ بوی سیاسی گرفت و تصادف در مسیر تهران - مشهد او اقدام سلواک تعبیر شد. کافی در ۲۰ تیر ۵۷ مصادف در گذشت.

فرهنگ **انوار** **حوزه**



### شبهات را پررنگ نکنید

آیت‌الله‌العظمی ناصرمکارم شیرازی خطاب به حوزویان گفته بود: طلاب باید قبل از برگزاری سخنرانی مطالعه داشته باشند و از طریق یادداشت به بیان مطالب خود بپردازند. به شبهات نیز پاسخ داده شود اما به گونه‌ای نباشد که شبهات پررنگ شود. سعی کنید مباحث را از کتب معتبر بیان کنید و دیگران و مداحان محترم را هم به بهره‌مندی از این کتب دعوت کنید.

## حزبی به نام «منبر»

■ **برداشتی از تاریخچه فعالیت‌های وعاظ تهرانی؛ از مشروطه تاکنون**

- محمد رعدی**،



حسین انصاریان

محمد رعدی

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حسین انصاریان

حزب توده موضعیگری می‌کرد و به نقد آن می‌پرداخت. دولت هم که موضع ضدمارکسیستی داشت، از این خطابه‌ها استقبال و از آغاز رمضان سال ۱۳۲۷ شمسی مباحث ایشان را به طور مستقیم از رادیو پخش کرد. این سخنرانی‌ها تا پایان رمضان آن سال ادامه یافت که پس از پخش این مطالب حجت‌الاسلام فلسفی هر روز با ده‌ها نامه تهدیدآمیز که طرفداران حزب توده نوشته بودند، مواجه شد.<sup>(۵)</sup>

از دیگر سخنرانان مهمی که در زمان حکومت محمدرضا پهلوی سه ویزه دو دهه آخر آن، با سخنرانی‌های خود با اندیشه‌های الحادی مبارزه می‌کرد، آیت‌الله محمدتقی جعفری بود که مشی او هم با مواضع حکومتی روبه‌رو نبود. در یکی از گزارش‌های ساواک آمده بود: «محمدتقی جعفری یکی از روحانیون مطلع در امر فلسفه اسلامی است که مشی او از سال‌ها قبل دوری از هرگونه مسائل سیاسی (اعم از مخالف و موافق) می‌پایند. بسا توجه به مطالعه عمیق واضع مذکور در این زمینه، همواره دانشجویان و افراد روشنفکری که زمینه‌های مذهبی آماده‌ای داشته‌اند، مشتاق به شرکت در جلسات مورد بحث بودند.»<sup>(۶)</sup>

مبارزه با بهائیت یکی دیگر از محورهای مهم سخنرانی‌های وعاظ و منبری‌های تهران در سال‌های حکومت محمدرضا بود. در این ایام، حجت‌الاسلام فلسفی به‌دستور آیت‌الله‌العظمی روح‌وردی سخنرانی‌های بسیاری علیه بهائیت انجام داد. فلسفی در یکی از سخنرانی‌ها که مستقیم از رادیو پخش می‌شد، علیه

حجت‌الاسلام و المسلمین استاد محمود امجد در سال ۱۳۱۸ شمسی در شهر کرمانشاه به دنیا آمد و در ۱۸ سالگی به قم رفت و از محضر اساتیدی مثل آیات‌عظام امام خمینی، طباطبائی، داماد، شریعتمداری، به‌آمالدینی، بهجت و... استفاده کرد. وی رادر تهران بیشتر به‌عنوان استاد اخلاقی می‌شناسند. در جلسات بیشترین افراد را دانشجویان و جوانان تشکیل می‌دهند و بسیار نزد آنان محبوب است. می‌توان گفت این محبوبیت به‌خاطر اهمیت و شخصیتی است که برای جوانان قائل است. او گفته بود: «همه ایران می‌دانند که من به شما عزیزان دانشجو عشق می‌ورزم، من پشت سر تک‌تک شما نماز می‌خوانم.» علاوه بر این بسیار با مخاطبان خود با مهربانی برخورد می‌کند و محبت را عامل حل مشکلات می‌داند. «باید با دانشجو رفیق شد و باید با دانشجو مهربانی کرد، تحویلش گرفت.» هرچند در سخنرانی‌هایش گاهی کراماتی نقل می‌کند، ولی این نکته را تذکر می‌دهد: «گول کرامات را نخورید، گول خرق عادت را نخورید؛ فقط دنبال حق باشید.» با اینکه خود از علماست ولی بعضی اوقات انتقاد از علما را لازم می‌یابد و مثلا می‌گوید: «عالمی که می‌خواهد دست او را ببوسند، و از او تعریف کنند، جاهل است» بسیار شده است که مداحان مورد انتقاد ایشان واقع شوند که مثلا چرا «با همه چیزی بازی می‌کنیم و گریه کردن و روضه خوانی هم باندی شده‌است» یا اینکه چرا مراسم احیا را طولانی برگزار می‌کنند و اینکه باید «شاطلی در مجلس پیدا شود و خیلی نباید در فکر گردیدن مردم باشیم» بسیار به وحدت بین مسلمین اهمیت می‌دهد؛ به طوری که وقتی در مجلسی لعن گفته شد با عتاب پاسخ دادند: «کی بود؟! ساکت! این چه کاره می‌کنید؟ اینجا توجی قم نوشته‌اید وعلنا نمی‌کنید.»

حجت‌الاسلام و المسلمین سید عبدالله فاطمی نیا، روحانی خوش‌سیمای تبریزی که تقریباً می‌توان وی را مهم‌ترین منبری مراسم ختم عرفای صوفی مسلک مدفون در خوانسار می‌رسد. مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی تا آیت‌الله‌العظمی بهجت و آیت‌الله شیخ جعفر مجتهدی دانست. بسیار علاقه‌مند است برای اثبات گفته‌های خود، تا جایی که می‌تواند داستان‌های معجزه‌گونه علما و غیر علما را نقل کند و از این راه به هدف خود که تبلیغ دین است، برسد.

از نقل این داستان‌ها در مسائل سیاسی هم ابایی ندارند و مثلا درباره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای گفته بودند: «من (این موضوع) را همه جا می‌گویم شما هم بگویید چهار رفیق به من فرمودند... سال ۶۱ آقای منتظری قائم مقام شدند و خدمت آیت‌الله بهاء الدینی رسیدند به ایشان گفتند رهبر آینده چه کسی است؟ فرمودند این آقا نمی‌شود و همه امید ما فرزند عزیز زهرا سید علی‌خامنه‌ای است.»

از دیگر ویژگی‌های منبر ایشان این است که مطالب محرمانه‌ای از معنویات را برای آنکس که تشخیص می‌دهد می‌گوید و به‌خاطر همین تفکر وقتی متوجه شد در دانشگاه کتاب «فصوص الحکم» محی الدین عربی تدریس می‌شود لب به گفتار گشود و گفت: «این کتاب‌ها و مطالب شیخ را هر کسی نمی‌فهمد و صرفا خواص از آن سر در می‌آورند و نباید در دانشگاه‌ها تدریس شود!» فاطمی نیا وضعیت مداحان و مداحی در ایران را نمی‌پسندد و گاهی انتقادهای شدیدی به آنان وارد می‌کند.

این فرقه موضعیگری و بهائیان را گمراه معرفی کرد. این سخنرانی موجی را علیه بهائیت به وجود آورد که باعث حمله‌ور شدن مردم به «حظیرہ‌القدس» محل تجمع بهائیان و تخریب گنبد آن شد.<sup>(۱۱)</sup> در سال ۲۲ نیز انجمن حجتیه توسط خطیب مشهور شهیدی، شیخ محمود حلبی در راستای مبارزه با بهائیت در تهران تاسیس شد که این امر هم شاکتکار احساس خطر خطیبان و روحانیون شیعه نسبت به نفوذ این فرقه بود.

در دهه ۴۰ و خصوصا بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲، بسیاری از خطابه‌ها در تهران رنگ و بوی سیاسی گرفت. حلقه‌ای از منبری‌ها در تهران و شهرستان‌ها، همزمان به طور منظم، از اواخر دهه ۴۰ شروع به فعالیت کردند من به ضرر شاه و به نفع رسول اکرم(ص) و دین خدا بود اما الان انتقاد نمی‌کنم برای اینکه انقلاب ما اسلامی است. اگر از سوء اعمال بعضی‌ها به نام «دولت» انتقاد کنم چیزی حاصل پیغمبر(ص) نمی‌شود، ولی آمریکا استفاده می‌کند و من نمی‌خواهم که به نفع آمریکا سخنرانی کنم.»<sup>(۱۲)</sup>

بر این اساس بود که «سازمان تبلیغات اسلامی» با نظر امام خمینی تاسیس شد. یکی از وظایف اصلی این سازمان، همان وظایف «موسسه وعظ و خطابه» بود؛ البته در حکومتی اسلامی و توسط برخی روحانیون ارشد تهرانی که خود در گذشته منبری بودند: «تاسیس اداره موسسات آموزشی و مراکز دانشگاهی در جهت تربیت مبلغان کارآمد و هنرمندان متعهد و مریبان دینی».

منبری‌ها در دوران جنگ از سوی این سازمان به جبهه اعزام می‌شدند و پس از آن به مقابله با «هاجم فرهنگی» می‌پرداختند.

پس از دهه ۷۰، اندک اندک منبر به همان سبک سنتی و قدیمی چندصدساله‌اش برگشت و همان مطالب برای مردم گفته می‌شد؛ با این تفاوت که قدرت مداحان بیش از واعظان و منبری‌ها شد و گاهی مداحان بودند که به جای خطیبان محور مجالس و منابر می‌شدند.

**پی‌نوشت‌ها**

- <sup>۱-</sup> شهید راه آزادی سید جمال‌الدین واعظ طبسی، ص ۱۶؛ به نقل از کارکرد عزاداری در انقلاب مشروطه ایران، فصلنامه مشکوه، شماره ۷۶ و ۷۷
- <sup>۲-</sup> تاریخ مشروطیت ایران، ج ۱، ص ۱۶۶؛ به نقل از کارکرد عزاداری در انقلاب مشروطه ایران
- <sup>۳-</sup> تاریخ ایران از زامه باستان تا سال ۱۳۱۶، به نقل از موسسه وعظ و خطابه، مجله خیمه، شماره ۴۲
- <sup>۴-</sup> موسسه وعظ و خطابه، مجله خیمه، شماره ۴۲
- <sup>۵-</sup> کشف‌الاسرار، ص ۳۲۲ و ۳۲۳
- <sup>۶-</sup> همان، ص ۳۳۱ و ۳۳۳
- <sup>۷-</sup> دادگاه، ص ۴۹
- <sup>۸-</sup> شیهای پیش‌آور، ص ۵۷
- <sup>۹-</sup> یاران امام به روایت استاد سلواک، کتاب نهم، ص ۱۱۵؛ به نقل از: مقاله «آیت‌الله محمد تقی فلسفی» نوشته محمد خرمدند ۱۰- جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ص ۷۶۵
- <sup>۱۱-</sup> مقاله «آیت‌الله محمد تقی فلسفی» نوشته محمد خرمدند
- <sup>۱۲-</sup> استناد شهید به روایت استاد، ص
- <sup>۱۳-</sup> ۱۳۹ - ۱۳۸؛ به نقل از جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیایی ایران، ص ۳۰۶
- <sup>۱۴-</sup> درون انقلاب ایران، ص ۶۸؛ به نقل از مقاله «انقلاب اسلامی و نقش علما و روحانی» نوشته مرتضی علویان
- <sup>۱۴-</sup> مجموعه آثار استاد مطهری، ج۱(۲) ۱۰ (گفتار)، ص ۵۰۶ و ۵۰۷
- <sup>۱۵-</sup> همان، ۱۷ج (حماسه حسینی)، ص ۴۲۰
- <sup>۱۶-</sup> خاطرات و مبارزات حجةالاسلام فلسفی، ص ۲۲۴؛ به نقل از مقاله «آیت‌الله محمد تقی فلسفی» نوشته محمد خرمدند

### متواضع و دلسوز باشید



مرحوم آیت‌الله علی مشکینی در اولین گردهمایی مبلغان هجرت بلندمدت حوزه علمیه قم در توصیه به مبلغین گفته بود: با تصمیم جدی و مخلصانه بروید تا آن‌شالله تبلیغات‌تان اثر انگار باشد. اگر می‌خواهید در کار تان موفق باشید و حرف و سخن‌تان در بین مردم نفوذ کند، باید اخلاص داشته و در برابر مردم متواضع و دلسوز باشید.

مذهبی بود. به نقل از یکی از گزارش‌های سلواک، در ۸ دی ۴۸ مجلسی در منزل محمدجواد باهنر تشکیل شده بود که در آن مطهری، محلاتی، مهدوی کنی، علی‌اصغر مروارید، علی‌اکبرهاشمی‌رفسنجانی، سیدعلی غبوری، شیخ‌جعفر شجونی و لاهوتی شرکت کرده بودند. هدف آنان هماهنگ کردن برنامه اعزام مبلغ به روستاها بود که کار را میان خود تقسیم کنند.<sup>(۱۱)</sup> سخنرانی‌های سیاسی خطیبان تهرانی و تعطیلی مجالس و دستگیر و بازداشت شدن پیاپی آنان نتیجه همین منبر سیاسی بود که از اواسط دهه ۴۰ تقویت شد و نقشی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرد. «جان. دی. استمیل» یکی از دیپلمات‌های آمریکا و نویسنده کتاب «درون انقلاب ایران» و از شاهدان نزدیک وقایع انقلاب در این زمینه نوشته است: «در کشور ۲۵ میلیونی ایران، تقریبا ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی وجود دارند. سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط روحانیون رده بالا صورت می‌گرفت.»<sup>(۱۲)</sup>

با اینکه منبرها نقشی در تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران داشتند، اما اراداتی هم توسط علمای همان زمان به آن وارد می‌شد. آیت‌الله مرتضی مطهری یکی از سخنرانان مشهور آن دوران گفته بود: «دستگاه وعظ و تبلیغ ما به نوعی دیگر گرفتار عولمز دگی است. این دیگر به وجوهات و سهم امام مربوط نیست، مربوط به این است که این کار رسما به صورت یک شغل و کار و کسب درآمد و عنوان اجرت و مزد بگیري پیدا کرده است... دستگاه وعظ و تبلیغ ما نیز مانند خود سازمان روحانیت حریت ندارد، در نبرد با جهات عوام ضعیف و ناتوان است.»<sup>(۱۳)</sup> البته مطهری همه مشکلات وعظ و خطابه را متوجه منبری‌ها نکرد، بلکه بعضی مشکلات را ناشی از فضای قبل از انقلاب دانسته و گفته بود: «در یک نامه رمضان، من در مسجدی منبر می‌رفتم و مدتی دیگر پیش‌نمازی می‌کردم. می‌دیدم وقتی که پیش‌نماز هستم، در نظر مردم بزرگتر و محترم‌تر هستم تا وقتی که حرف می‌زنم. این بود که تشخیص می‌دادم که این مردم، بی هنری را بر هنر ترجیح می‌دهند.»

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات ناشی از آن، طبیعی‌بود که بیشتر خطیبان و واعظان تحت تاثیر همین فضا به تبلیغ آن مشغول شوند و مسیر سخنرانی‌ها به این سمت تغییر کند. به همین دلیل بود که حجت‌الاسلام فلسفی در پاسخ به افرادی که به او گفته بودند: چرا از فلسفه‌ای از منبری‌ها در تهران و شهرستان‌ها، همزمان به طور منظم، از اواخر دهه ۴۰ شروع به فعالیت کردند من به ضرر شاه و به نفع رسول اکرم(ص) و دین خدا بود اما الان انتقاد نمی‌کنم برای اینکه انقلاب ما اسلامی است. اگر از سوء اعمال بعضی‌ها به نام «دولت» انتقاد کنم چیزی حاصل پیغمبر(ص) نمی‌شود، ولی آمریکا استفاده می‌کند و من نمی‌خواهم که به نفع آمریکا سخنرانی کنم.»<sup>(۱۲)</sup>

بر این اساس بود که «سازمان تبلیغات اسلامی» با نظر امام خمینی تاسیس شد. یکی از وظایف اصلی این سازمان، همان وظایف «موسسه وعظ و خطابه» بود؛ البته در حکومتی اسلامی و توسط برخی روحانیون ارشد تهرانی که خود در گذشته منبری بودند: «تاسیس اداره موسسات آموزشی و مراکز دانشگاهی در جهت تربیت مبلغان کارآمد و هنرمندان متعهد و مریبان دینی».

منبری‌ها در دوران جنگ از سوی این سازمان به جبهه اعزام می‌شدند و پس از آن به مقابله با «هاجم فرهنگی» می‌پرداختند.

پس از دهه ۷۰، اندک اندک منبر به همان سبک سنتی و قدیمی چندصدساله‌اش برگشت و همان مطالب برای مردم گفته می‌شد؛ با این تفاوت که قدرت مداحان بیش از واعظان و منبری‌ها شد و گاهی مداحان بودند که به جای خطیبان محور مجالس و منابر می‌شدند.

- <sup>۱-</sup> شهید راه آزادی سید جمال‌الدین واعظ طبسی، ص ۱۶؛ به نقل از کارکرد عزاداری در انقلاب مشروطه ایران، فصلنامه مشکوه، شماره ۷۶ و ۷۷
- <sup>۲-</sup> تاریخ مشروطیت ایران، ج ۱، ص ۱۶۶؛ به نقل از کارکرد عزاداری در انقلاب مشروطه ایران
- <sup>۳-</sup> تاریخ ایران از زامه باستان تا سال ۱۳۱۶، به نقل از موسسه وعظ و خطابه، مجله خیمه، شماره ۴۲
- <sup>۴-</sup> موسسه وعظ و خطابه، مجله خیمه، شماره ۴۲
- <sup>۵-</sup> کشف‌الاسرار، ص ۳۲۲ و ۳۲۳
- <sup>۶-</sup> همان، ص ۳۳۱ و ۳۳۳
- <sup>۷-</sup> دادگاه، ص ۴۹
- <sup>۸-</sup> شیهای پیش‌آور، ص ۵۷
- <sup>۹-</sup> یاران امام به روایت استاد سلواک، کتاب نهم، ص ۱۱۵؛ به نقل از: مقاله «آیت‌الله محمد تقی فلسفی» نوشته محمد خرمدند ۱۰- جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ص ۷۶۵
- <sup>۱۱-</sup> مقاله «آیت‌الله محمد تقی فلسفی» نوشته محمد خرمدند
- <sup>۱۲-</sup> استناد شهید به روایت استاد، ص
- <sup>۱۳-</sup> ۱۳۹ - ۱۳۸؛ به نقل از جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیایی ایران، ص ۳۰۶
- <sup>۱۴-</sup> درون انقلاب ایران، ص ۶۸؛ به نقل از مقاله «انقلاب اسلامی و نقش علما و روحانی» نوشته مرتضی علویان
- <sup>۱۴-</sup> مجموعه آثار استاد مطهری، ج۱(۲) ۱۰ (گفتار)، ص ۵۰۶ و ۵۰۷
- <sup>۱۵-</sup> همان، ۱۷ج (حماسه حسینی)، ص ۴۲۰
- <sup>۱۶-</sup> خاطرات و مبارزات حجةالاسلام فلسفی، ص ۲۲۴؛ به نقل از مقاله «آیت‌الله محمد تقی فلسفی» نوشته محمد خرمدند